

توجه: ضمن عرض سلام و آرزوی موفقیت برای شما، تأکید می‌شود که سوالات ذیل فقط برای آشنایی با نحوه سؤالات پایان ترم است؛ بنابراین طلاب محترم باید تمامی مطالب محدوده اعلان شده را مطالعه کنند و آمادگی پاسخگویی به سؤالات دیگر را داشته باشند.

نکته : توجه داشته باشید نوشته های آبی رنگ توضیحات تکمیلی هستند و می توان از آنها صرف نظر کرد.

۱. آیه نفر «فلولا نفر من کل فرقه...» چه وظایفی برای حوزویان مشخص کرده است؟

این آیه دو وظیفه ی «تفقه» و ابلاغ و انذار را برای مبلغان مشخص می کند. بنابراین کشف ، ابداع و فراگیری شیوه های صحیح و مناسب ابلاغ و آموزش فقه به فراخور زندگی افراد گوناگون و با توجه به فراوانی و تعدّد نیازها ، اهمیت بسزایی دارد و طلاب علوم دینی باید با تلاش و جدّیت بیشتری به این مهم پردازند تا نتایج و آثار آن در زندگی شخصی و اجتماعی مسلمانان نمایان شود .

۲. چرا بیان احکام و مسائل فقهی برای مردم ضرورت دارد؟

بخش عمده ای از معارف دینی ، قوانین عملی است که احکام یا فقه نامیده می شود ، مراجع عظام تقلید در آغاز توضیح المسائل فتوا داده اند : «مسائلی را که غالباً انسان به آن نیاز دارد واجب است یادگیرد». بنابراین یادگیری بخشی از احکام شرعی که با گذشت زمان و تحوّل مسائل زندگی هر شخص رو به فزونی است ، واجب و ضروری است و با توجه به وجوب مقدمه واجب ، مقدمه این واجب که تعلیم و آموزش مسائل شرعی است نیز واجب است.

۳. حدیث شریف «قلب الحدث كالارض الخاليه ما ألقى فيها من شيء قبلته» چه ارتباطی با تبلیغ دین دارد؟

حضرت در این کلام نورانی راه نفوذ دشمنان به قلب جوان را ترسیم می کند. اگر بذر و نهال حقیقت اسلام در قلب جوان کاشته نشود ، بیگانه آن را تصاحب ، و نقشه های شیطانی خود را بر آن تحمیل خواهد کرد.

۴. مراحل آمادگی برای بیان احکام را بنویسید.

۱. انتخاب بحث

۲. مطالعه دقیق و کامل بحث مورد نظر و انتخاب مطالب و مسائل ضروری آن ،

۳. تنظیم و دسته بندی مسائل و نکات

۴. خلاصه نویسی

۵. الف) در بیان احکام، «انتخاب بحث» بر اساس چه ملاک‌هایی انجام می‌شود؟

معیارهای انتخاب بحث:

۱. نیاز مخاطبان

۲. میزان فهم مخاطبان

۳. مدت زمان کلاس

ب) کلام امیرالمومنین (علیه السلام) که می‌فرمایند: «إنَّ رأیك لا یتسع لكلِّ شیء ففرقه للمهم» مربوط به کدام مورد است؟

مربوط به مدت زمان کلاس است که باید درانتخاب موضوع و چگونگی طرح آن مد نظر قرار بگیرد ، مباحث به هم پیوسته و مفصل را نباید در فرصت کوتاه بیان کرد. هنر مسئله گو آن است که فرصت های بدست آمده را غنیمت شمارد و مسئله ای انتخاب کند که طرح کامل آن در آن فرصت ممکن باشد. از طرح و تفصیل قسمت های غیرضروری نیز باید اجتناب نماید.

۶. چهار مورد از عوامل موثر در تعیین نیاز افراد به احکام شرعی را بیان کنید.

عوامل موثر در تعیین نیاز مخاطبان:

۱. سن افراد

۲. جنسیت افراد

۳. موقعیت مکان زندگی و محل اقامت

۴. موقعیت زمانی

۵. موقعیت شغلی و اجتماعی

یکی از عوامل مؤثر در تعیین نیاز افراد «سن افراد» است. عامل دیگر «موقعیت زمانی» است. این دو مورد را با مثال توضیح دهید.

### سن افراد :

مسائل مربوط به بزرگسالان را نباید برای نوجوانان گفت؛ همچنانکه بخشی از مسائل مربوط به نوجوانان برای میان سالان و کهن سالان مفید نیست؛ مگر برای آگاهی جهت انتقال به نوجوانان .  
افزون بر این گاهی طرح همه مسائل یک باب برای برخی سنین ضرورت ندارد و چه بسا از فهم و نیاز آنان فراتر باشد. مثلاً وقتی می خواهیم از شرایط مرجع تقلید برای گروه سنی نوجوان سخن بگوییم، آنچه را که مقتضای سن آنان است را برمی گزینیم. ذکر شرط حلال زاده بودن و حریص به دنیا نبودن و ... مناسب نیست، کافی است گفته شود، مرجع تقلید باید در فهم مسائل فقهی و احکام دینی عالم تر از علمای شیعه زمان خود و انسان درست کار، صالح و زنده باشد.  
موقعیت زمانی :

مقتضیات زمان، نقش مهمی در طرح مسائل شرعی دارد و گذر زمان در موضوعات، تغییر و تحول ایجاد می کند. این روزها، مباحثی مانند اعتکاف، سفر به نقاط مختلف داخل و خارج از کشور، ارتباطات، حق تألیف و ثبت و کشف، بورس و تجارت الکترونیکی، تلفن همراه و رایانه، اینترنت، ماهواره و بسیاری از موضوع های جدید در زندگی مسلمانان مطرح شده که در گذشته مطرح نبوده است و باید مسائل شرعی مربوط به هر یک بیان شود. این همان معنای پویایی فقه است که با توجه به تغییر موضوعات و نیاز های جدید مردم، نقش خود را ایفا می کند.  
بنابراین تنها تکرار برخی مسائل عمومی کافی نخواهد بود، چرا که بسیاری از تکالیف شرعی مکلفان مربوط به مسائل جدید زندگی است و باید به مسائل مستحدثه نیز توجه ویژه کرد.

دو مورد از عوامل مؤثر در تعیین نیاز افراد به احکام شرعی «موقعیت مکانی و موقعیت شغلی» افراد است، این دو مورد را با مثال توضیح دهید.

### موقعیت مکانی :

یکی دیگر از عوامل مؤثر در نیاز انسان ها مکان زیستن است. بدیهی است که مسائل مورد نیاز روستائینان با مسائل مورد ابتلای شهروندان تفاوت دارد. نوجوانی که در شهری همچون تهران زندگی می کند نیاز به دانستن حکم عرق شتر نجاست خوار ندارد. همچنین برخی نیازهای مسلمانان مقیم کشورهای غیراسلامی با نیازهای مسلمانان کشورهای اسلامی تفاوت دارد. توجه به این نکته از اهمیت جدی برخوردار است.  
موقعیت شغلی :

می توان با یک نگاه کلی، احکام شرعی را به دو دسته عمومی و صنفی تقسیم کرد.  
مسائلی همچون تقلید، طهارت، نماز، روزه و ... از مسائل عمومی مکلفان است که بنا به نیاز، فراگیری آن واجب است. اما مباحثی مانند مزارعه، مساقات، مضاربه، اجاره، وکالت، تجارت، شرکت و ... از مسائل عمومی مکلفان نیست و هرکس به اقتضای شغل و فعالیت خود باید احکام مربوط به آن را بیاموزد.  
گوینده ی مسائل شرعی باید در هر جمعی که به شغل و حرفه خاصی اشتغال دارند، مسائل مربوط به آن ها را مطرح کند تا هرکس با توجه به نیازش مسائل شرعی را فرا بگیرد.

### مطالعه دقیق و کامل بحث چه تاثیر روانی برای گوینده دارد؟

مطالعه دقیق و کامل نقش مهمی در بالابردن ضریب اعتماد به نفس در سخن وری، کلاس داری و آزمون های مختلف دارد  
حضرت علی (ع) می فرمایند: «فکر ثم تسلّم من الزّلل» فکر کن، سپس سخن بگو تا از لغزش در امان باشی .  
مطالعه کافی، نکته برداری و یادداشت مطالب مهم و مطالعه خلاصه ها در یادسپاری مباحث مؤثر است و ضریب اطمینان را افزایش می دهد.

### مبلغ برای جلب اعتماد مخاطبان چگونه باید عمل کند؟

یکی از نکته های مهم در موفقیت مبلغ، به دست آوردن اطمینان مخاطبان است. هرچه مبلغ نزد آنان محبوب تر و مورد وثوق تر باشد، میزان حضور مخاطبان افزون می گردد. همچنین یکی از راه های به دست آوردن فتوای مجتهدان، شنیدن از مبلغان مورد اطمینان است، پس آنچه را که مبلغ مسائل شرعی بیان می کند، ملاک عمل شرعی مردم قرار می گیرد.  
نکته مهم دیگر این است که اگرچه نباید انتظار داشت مبلغ از عهده پاسخ همه پرسش ها در یک جلسه برآید، اما چنانچه مسئله ای اشتباه بیان شود، یا سوال های بسیاری بی پاسخ بماند، اطمینان مخاطبان کاهش می یابد. البته بدیهی است که در موارد

محدودی که پاسخگو نیاز به مراجعه علمی دارد ، باید در کمال آرامش به پرسش گر اطمینان بدهد در اولین فرصت ، پاسخ او را خواهد داد. در این صورت ، مبلغ را فردی متعهد و یاری رسان در انجام تکالیف شرعی و کسب رضای حق تعالی می دانند و باور می کنند که وی ظن و گمان خود را به جای حکم خدا نمی گوید و برای یافتن پاسخ صحیح بسیار تلاش می کند.

۱۱. در بحث وضو، دو عبارت زیر چه تفاوتی با هم دارند؟ توضیح دهید.

- مسح پای راست بر پای چپ مقدم باشد.
  - مسح پای چپ بر پای راست مقدم نباشد.
- براساس عبارت دوم چنانچه مسح هر دو پا همزمان باشد ، اشکال ندارد. درحالی که عبارت اول این اجازه را نمی دهد.

۱۲. چرا اگر میزبان بفهمد غذا نجس است باید به مهمانها بگوید ولی اگر یکی از مهمانها بفهمد لازم نیست به بقیه مهمانها بگوید؟

هریک از صورت های گوناگون خوردن یا خوراندن غذا یا نوشیدنی نجس ، احکام متفاوتی دارد. چنانچه میهمان متوجه شود غذایی را که می خورد نجس است ، باید از آن اجتناب کند. اما در اعلان آن به دیگران وظیفه ای ندارد. درحالی که اگر میزبان متوجه نجس بودن غذا شود باید به میهمانها بگوید و غذای نجس را از دسترس آنان دور کند؛ زیرا در حالت اول حرمت خوردن چیز نجس و در صورت دوم حرمت خوراندن چیز نجس مطرح است.

۱۳. در مورد کسی که سی روز بدون قصد و در حال تردید یک جا می ماند، دو عبارت ذیل چه تفاوتی دارند؟ توضیح دهید.

- پس از سی روز باید نماز را تمام بخواند.
  - روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.
- اگر شخص وظیفه اش این باشد که پس از سی روز باید نماز را تمام بخواند ، و این شخص بخواهد نماز عشاء روز سی ام را بخواند ، تکلیف او تمام خواندن نماز عشا است. اما چنانچه از روز سی و یکم وظیفه تمام خواندن نماز باشد، نماز عشاء روز سی ام قصر است.

۱۴. بر اساس کلام نورانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) : «أحسن الكلام ما زانه حسن النّظام و فهمه الخاص و العام» دو اثر بسیار مهم «نظم و دسته بندی مطالب» چیست؟

- براساس این کلام نورانی ، نظم و دسته بندی مطالب دو اثر بسیار مهم در پی دارد:
۱. به گوینده ← در تبیین مطالب و تفهیم مقصود یاری می کند.
  ۲. به شنونده ← در درک ، فهم و یاد سپاری مطالب کمک می کند.

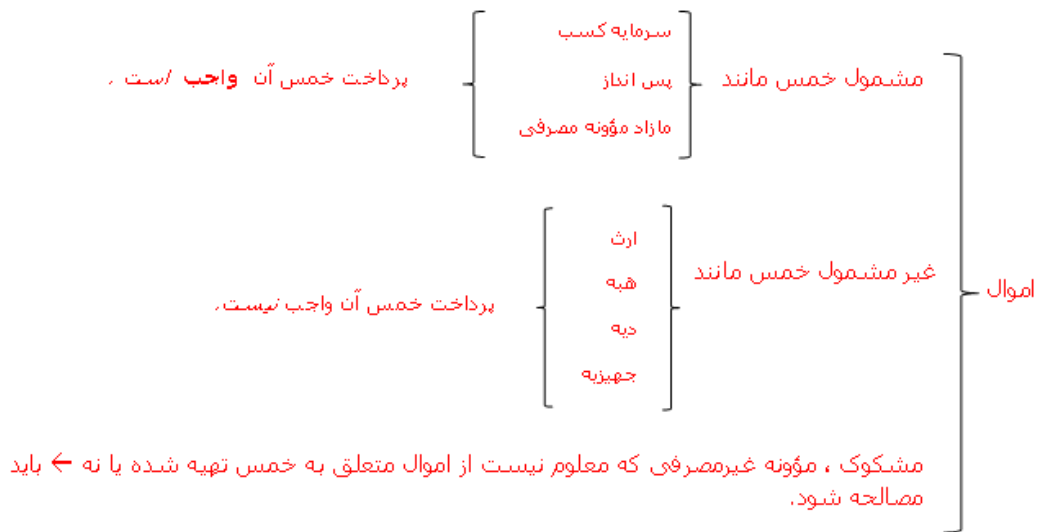
۱۵. انواع شیوه های تنظیم و دسته بندی احکام را نام برده و بنویسید کدام مورد متداول تر است؟

- شیوه های تنظیم و تدوین احکام
۱. شیوه خوشه ای ( درختی یا نموداری )
  ۲. شیوه پرسشی
  ۳. شیوه عنوانی
  ۴. شیوه تلفیقی
- متداول ترین و موثر ترین شیوه ، شیوه خوشه ای ( درختی یا نموداری ) است.

۱۶. متداول ترین شیوه تنظیم و دسته بندی احکام کدام است؟ با یک مثال توضیح دهید.

متداول ترین و موثر ترین شیوه تنظیم و دسته بندی احکام شیوه خوشه ای درختی یا نموداری است. در این شیوه بحث از کل به جزء کشیده می شود ، همچون خوشه های انگور که ابتدا شاخه اصلی و سپس شاخه های فرعی و ریز و پس از آن دانه های انگور قرار می گیرد.

مثال : تنظیم مسائل خمس به شیوه نموداری

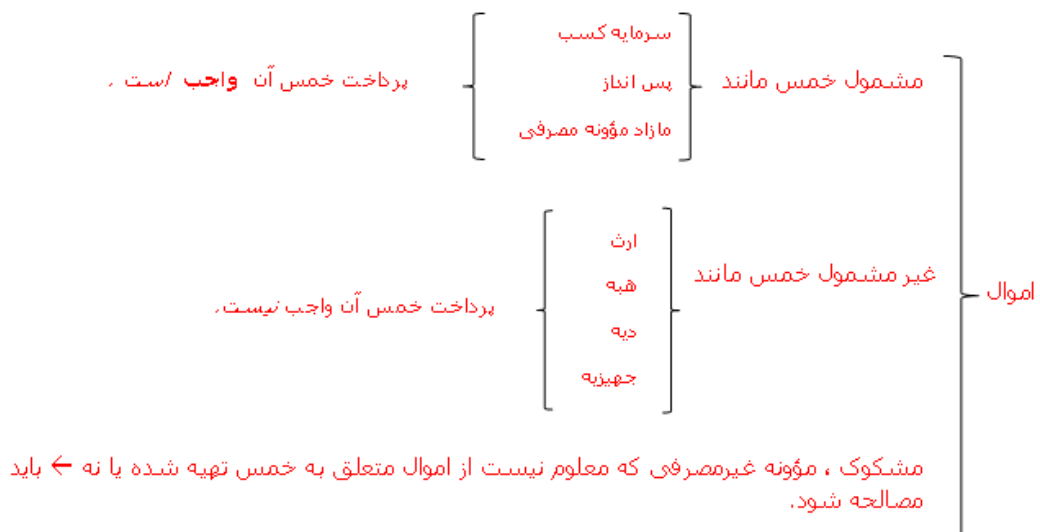


۱۷.

تنظیم و دسته بندی احکام به شیوه خوشه‌ای را توضیح دهید و یک مثال فقهی برای آن بنویسید.

متداول ترین و موثر ترین شیوه تنظیم و دسته بندی احکام شیوه خوشه ای درختی یا نموداری است. در این شیوه بحث از کل به جزء کشیده می شود ، همچون خوشه های انگور که ابتدا شاخه اصلی و سپس شاخه های فرعی و ریز و پس از آن دانه های انگور قرار می گیرد.

مثال : تنظیم مسائل خمس به شیوه نموداری



۱۸.

به چه اموالی خمس تعلق می گیرد؟ مثال بزنید.

اموالی که خمس دارد:

۱. پس انداز

۲. مواد مصرفی زندگی ( مصرفی و غیر مصرفی )

۳. سرمایه کسب

شرح و مثال :

۱. پس انداز :

پول نقدی که از درآمد بین سال اضافه آمده و هزینه زندگی نشده است. خواه این ذخیره نزد خود شخص باشد یا در

بانک و یا به کسی سپرده و یا حتی قرض داده باشد.

۲. مواد مصرفی زندگی :

اقلامی که از درآمد بین سال تهیه و سرسال خمسی از احتیاج فرد و خانواده اش مازاد باشد. برنج ، روغن ، قند ، چای ،

حبوبات و ... از این قبیل است. البته آنچه انسان برای خود و خانواده اش تهیه می کند و در زندگی به آن نیاز دارد «مؤونه» نام دارد که به دو دسته کلی تقسیم می شود:

الف ( مصرفی ب) غیر مصرفی

الف) مصرفی « موادى که هنگام استفاده ، اصل آن از بین می رود و یا کم می شود ، مانند موارد یادشده که چنانچه از درآمد بین سال خریداری شده باشد ، خمس باقى مانده باید پرداخت شود.

ب) غیرمصرفی « آنچه که با وجود استفاده اصلش باقى می ماند؛ مانند منزل مسکونی ، وسیله نقلیه ، فرش و دیگر وسایل زندگی که در صورت تهیه از درآمد بین سال ، خمس ندارد. البته اگر فردی در گذشته اموال خود را حسابرسی نکرده باشد ، باید این گونه موارد را از جهت اموال مشکوک مصالحه کند.

۳. سرمایه کسب :

هر چیزی که به عنوان منبع درآمد به حساب آید، مانند مغازه و ابزار کار آن ، زمین زراعی و ابزار کشاورزی ، ابزار حرفه ها و صنایع ، مانند خیاطی ، نجاری ، تراشکاری و نیز کارخانه ، کامیون ، اتوبوس ، تاکسی و ...

### ۱۹. «مؤونه» چیست و بر چند قسم است؟ کدام قسم آن خمس دارد؟ مثال بزنید.

اقلامی که از درآمد بین سال تهیه و سرسال خمسی از احتیاج فرد و خانواده اش مازاد باشد. برنج ، روغن ، قند ، چای ، حبوبات و ... از این قبیل است. البته آنچه انسان برای خود و خانواده اش تهیه می کند و در زندگی به آن نیاز دارد «مؤونه» نام دارد که به دو دسته کلی تقسیم می شود:

الف ( مصرفی ب) غیر مصرفی \*\*\* ( به مؤونه مصرفی خمس تعلق می گیرد )

الف) مصرفی « موادى که هنگام استفاده ، اصل آن از بین می رود و یا کم می شود ، مانند موارد یادشده که چنانچه از درآمد بین سال خریداری شده باشد ، خمس باقى مانده باید پرداخت شود.

ب) غیرمصرفی « آنچه که با وجود استفاده اصلش باقى می ماند؛ مانند منزل مسکونی ، وسیله نقلیه ، فرش و دیگر وسایل زندگی که در صورت تهیه از درآمد بین سال ، خمس ندارد. البته اگر فردی در گذشته اموال خود را حسابرسی نکرده باشد ، باید این گونه موارد را از جهت اموال مشکوک مصالحه کند.

### ۲۰. اموالی که خمس ندارد را بیان نمایید.

اموالی که خمس ندارد:

۱. ارث
۲. دیه
۳. هبه
۴. مهریه
۵. شهریه
۶. یارانه
۷. جهیزیه

۸. مؤونه غیر مصرفی غیر مشکوک (مؤونه غیرمصرفی مشکوک باید مصالحه شود و خمس آن پرداخت شود).

\*\*\* شرح اموالی که خمس ندارد: (توی امتحان تا زمانی که ازتون شرح نخواستن نیازی به بیان نیست ، اینجا شرح رو می نویسم برای اینکه رجوع به کتاب رو براتون کاهش بدم):

۱. ارث: مالی که از میت به ارث می رسد ، خمس ندارد؛ مگر مالی که یقین داشته باشد قبلاً به آن خمس تعلق گرفته و پرداخت نشده است که در این صورت وارث ، یک پنجم آن را مالک نمی شود. البته چنانچه بدانیم میت اهل حسابرسی بوده ، ولی ندانیم خمس همین مالی که به ارث گذاشته را نیز پرداخت کرده یا نه ، خمس آن بر عهده وارث نیست.

۲. دیه : آنچه به عنوان دیه جنایت از جانی گرفته می شد ، خمس ندارد.

۳. هبه : هدایا مانند جایزه ، عیدی ، سوغاتی و ... ، مشمول خمس نیست.

۴. مهریه: مهریه ای را که زن - دائم یا موقت- از شوهر دریافت می کند ، خمس ندارد.

۵. شهریه: شهریه یا کمک هزینه تحصیلی که به طلاب حوزه های علمیه یا محصلان مدارس و دانشجویان دانشگاه ها پرداخت می شود، چنانچه در قبال کار و به عنوان مزد آنها نباشد ، مشمول خمس نیست.

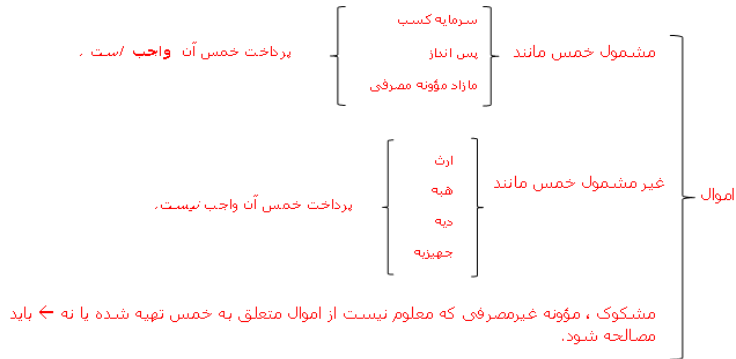
۶. یارانه : همان کمک هزینه زندگی است که از سوی حکومت به مردم پرداخت می شود و مانند هبه و شهریه خمس ندارد.

۷. جهیزیه: چنانچه جهیزیه را به دختر بخشیده و تحویل او داده باشند ، حکم هبه را دارد؛ اما اگر والدین آن را به عنوان مؤونه زندگی خودشان خریده و تحویل دختر نداده باشند ، جزو دسته سوم بوده که در صورت نداشتن حساب سال باید مصالحه شود.

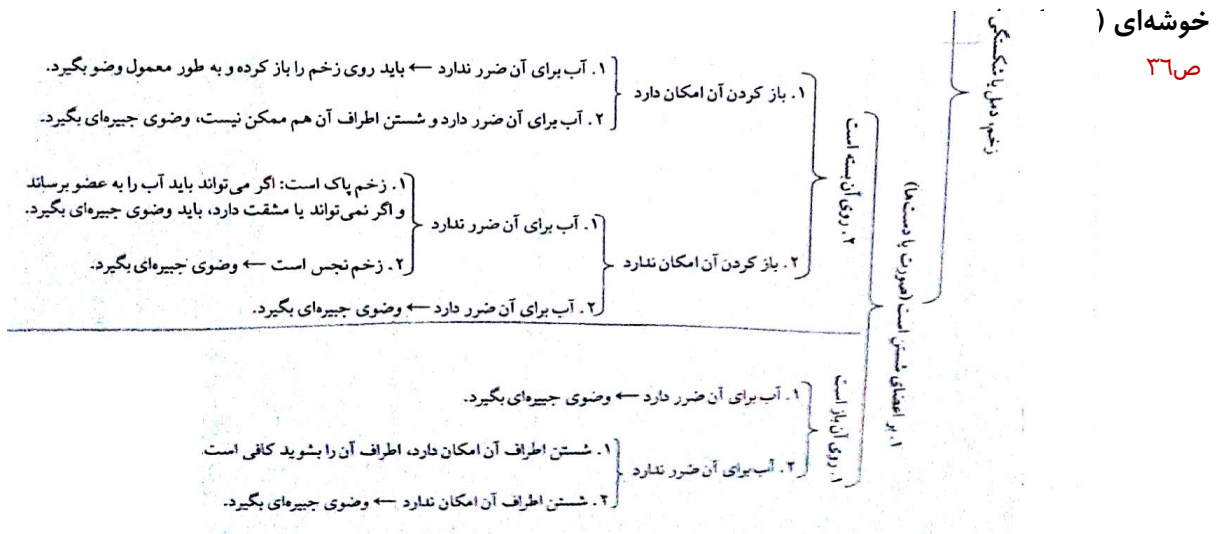
در بحث خمس، منظور از «مصالحه» چیست و در چه صورتی انجام می‌شود؟

مشکوکات یعنی اموالی که جزو مؤونه غیر مصرفی است و معلوم نیست خمس به آن تعلق گرفته یا نه ، باید مصالحه شود. برای روشن شدن معنای مصالحه به مثال زیر توجه کنید.  
فرض کنید شخص الف مبلغی را از شخص ب طلب دارد. هر دو نفر یعنی طلبکار و بدهکار ، از اصل بدهی آگاه اند، اما مقدار آن را از یاد برده اند ، در چنین شرایطی تنها راه چاره «مصالحه» است؛ بدین معنا که رضایت یکدیگر را جلب و به مبلغی توافق کنند.  
در بحث خمس ، نیز یک طرف طلبکار و دیگری بدهکار است. طلبکار یا ارباب خمس ، درعصر غیبت ، فقهای جامع الشرايط اند. البته از آنجا که مراجع تقلید نمی توانند با تک تک افراد مصالحه کنند ، افرادی را به عنوان نماینده یا وکیل خود معرفی می کنند و به آن ها اجازه مصالحه یا قرض را می دهند که به «دست گردان» یا «مهلت دادن» مشهور است.

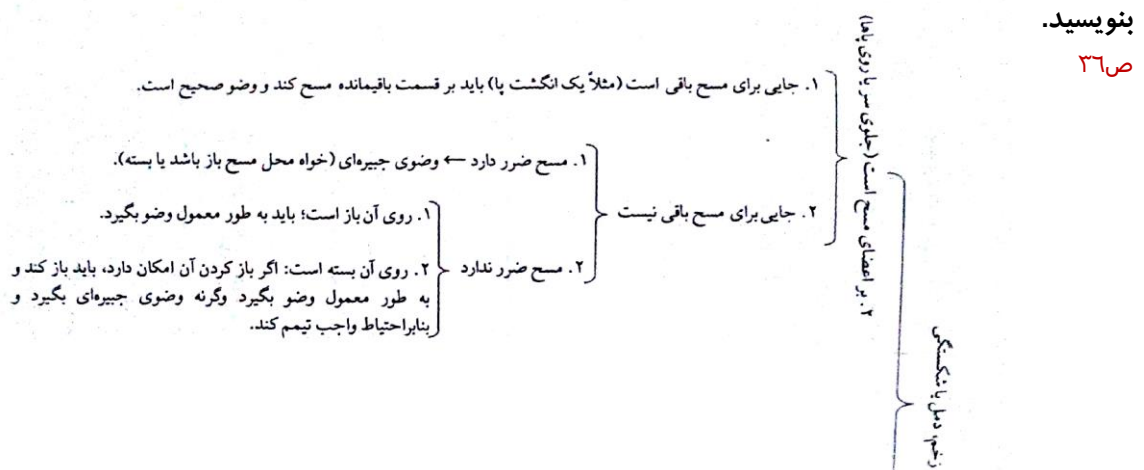
۲۲ احکام کلی خمس را به روش نموداری بنویسید.



احکام زخم، دمل یا شکستگی که بر اعضای شستن (صورت یا دست‌ها) است و روی آن بسته است را به صورت



احکام زخم، دمل یا شکستگی که بر اعضای مسح (جلوی سر یا روی پاها) است را به صورت خوشه‌ای (نموداری) بنویسید.



## الف) ابزار قمار کدامند؟ دو نمونه برای آن بنویسید.

ابزار قمار وسایلی است که به طور متعارف قمار بازها به وسیله آنها بازی برد و باخت می کنند.  
مثال:

در مباحث فقهی از ابزارهایی چون شطرنج، تخته نرد، پاسور و بلیارد با عنوان ابزار قمار یاد شده است. روایات برخی از وسایل بازی چون شطرنج و تخته نرد را از آلات قمار دانسته و از بازی با آنها نهی کرده اند؛ برای نمونه از حضرت علی(ع) نقل شده است که شطرنج و نرد قمار هستند. در معانی الأخبار هم به نقل از امام صادق(ع) آمده است که به شطرنج و تخته نرد، نزدیک نشوید.  
برخی از آلات قمار چون بلیارد و پاسور، پیشینه درازی میان مسلمانان ندارد و بازی با آنها از مسائل مستحدثه به شمار می آید.

## ب) معنای برد و باخت چیست؟ توضیح دهید.

برد و باخت آن است که برنده از بازنده چیزی بگیرد؛ خواه فرد، گروه، تیم و ... و آن چیز، پول، جایزه، کادو، کار و یا هر خدمت دیگر - چه کم و چه زیاد- و ... باشد. بنابراین صرف تشویق بدون پرداختن چیزی شامل آن نمی شود و نیز اگر طرف ثالث مانند شرکت، موسسه، وزارتخانه، باشگاه، فدراسیون، مربی و ... به برنده جایزه بدهد، برد و باخت حرام نیست.

## مسابقه و ورزش با وسیله ای که معلوم نیست ابزار قمار است یا نه، چه حکمی دارد؟

در این قسم یعنی مسابقه و ورزش با وسیله ای که معلوم نیست ابزار قمار است یا نه دو حالت وجود دارد:  
۱. ابزار به کار رفته در گذشته وسیله قمار بوده است، ولی در حال حاضر نمی دانیم وضعیت آن تغییر کرده است یا نه؛ یعنی آیا تبدل موضوع صورت گرفته است تا حکم دیگری نسبت به آن نافذ باشد؟  
۲. پیش از این جزو ابزار قمار نبوده است، اما نمی دانیم در حال حاضر با آن قمار بازی می کنند یا نه؟  
مثال قسم اول همان شطرنج است که در گذشته وسیله قمار بوده و به صراحت در روایات از آن نهی شده است و حکم استفاده از آن حرمت است؛ ولی چنانچه کسی یقین دارد شطرنج دیگر وسیله قمار نیست و حالت سابق را از دست داده است و بدون برد و باخت برای تقویت فکر از آن استفاده می شود می تواند بدون برد و باخت از آن استفاده کند.  
در قسم دوم هم بازی با وسایلی که انسان می داند وسیله قماربازی نیست بدون برد و باخت اشکال ندارد. چون ملاک حرمت ۲ چیز است:  
۱. وسیله قمار باشد. ۲. با نیت برد و باخت به آن پرداخته شود.

## چگونه ممکن است بازی با یک وسیله - بدون برد و باخت - برای یک نفر حلال و برای دیگری حرام باشد؟ با

## یک مثال توضیح دهید.

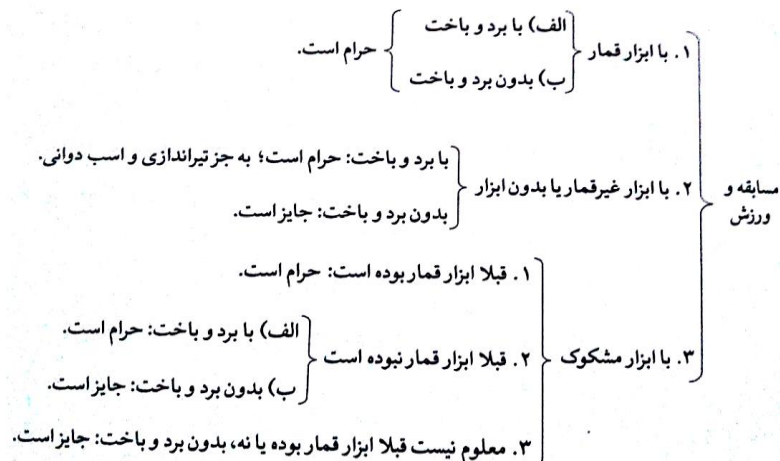
شطرنج در گذشته وسیله قمار بوده و به صراحت در روایات از آن نهی شده است و حکم استفاده از آن حرمت است و تا انسان یقین ندارد حالت اولیه اش را از دست داده، نمی تواند با آن بازی کند؛ ولی چنانچه کسی یقین دارد شطرنج دیگر وسیله قمار نیست و حالت سابق را از دست داده است و بدون برد و باخت برای تقویت فکر از آن استفاده می شود می تواند بدون برد و باخت از آن استفاده کند.

## حکم بازی با شطرنج چیست؟ توضیح دهید.

شطرنج در گذشته وسیله قمار بوده و به صراحت در روایات از آن نهی شده است و حکم استفاده از آن حرمت است؛ ولی چنانچه کسی یقین دارد شطرنج دیگر وسیله قمار نیست و حالت سابق را از دست داده است و بدون برد و باخت برای تقویت فکر از آن استفاده می شود می تواند بدون برد و باخت از آن استفاده کند.

## خلاصه مسائل ورزش و مسابقه را به شیوه خوشه ای (نموداری) بنویسید.

ص ۴۱



### ۳۰. مسائل موسیقی و غنا را به روش پرسشی دسته‌بندی کنید.

تنظیم مسائل موسیقی و غنا به روش پرسشی

۱. موسیقی و غنا چیست؟
۲. آیا حرمت موسیقی و غنا مطلق است یا بعضی از اقسام آن حرام نیست؟
۳. ملات تشخیص موسیقی حلال از حرام چیست؟
۴. حکم نواختن و گوش دادن به موسیقی مشکوک چیست؟
۵. حکم موسیقی های پخش شده از صدا و سیما جمهوری اسلامی یا موسیقی هایی که با مجوز وزارت ارشاد پخش می شود ، چیست ؟
۶. آموزش و فراگیری موسیقی چه حکمی دارد؟
۷. حکم خرید و فروش و نگهداری ابزار و آلات موسیقی چیست؟

### ۳۱. ملاک تشخیص موسیقی حرام چیست؟ توضیح دهید.

ملاک تشخیص موسیقی حرام دو قید است:

۱. مطرب باشد
  ۲. متناسب با مجالس لهو و لعب باشد.
۱. مطرب باشد « معنی طرب فقط شادی یا غمی نیست که در اثر گوش دادن به موسیقی برای انسان حاصل می شود ، مانند برخی سرودهای حماسی سوگمندانه که انسان را غمگین می کند ؛ بلکه منظور از آن خروج از حالت طبیعی است؛ زیرا حالت اطراب تا حدودی مانند اسکار است که انسان را از حالت عادی خارج می کند.
۲. متناسب با مجالس لهو و لعب باشد» زیرا ممکن است گفته شود برخی موسیقی ها آرام است و به انسان حالت غیرطبیعی دست نمی دهد اما قید دوم حکم موضوع را مشخص می کند. مجالس لهو و لعب ، مجالس عیش و نوشی است که در آن می نوازند و می رقصند و شادی می کنند. اگر موسیقی به گونه ای باشد که در چنین مجالسی به کار می رود، حرام است و در غیر این صورت جایز است.

### ۳۲. ملاک حرمت «خوانندگی» را توضیح دهید.

- حرمت خواندن گاه از جهت معنا و مفهوم مطلب است ، همچنانکه اگر کسی مطلب خلاف شرع و اخلاق و منافی عفت را برای دیگران بازگو کند ؛ مرتکب حرام شده است یعنی حرمت عمل از جهت معنا و مفهوم است.
- گاه نیز حرمت به خاطر نوع خواندن است . اگر قرآن که از نظر معنا و مفهوم بهترین است به حالت غنا خوانده شود ، کار حرام است.
- اگر مطلب نامناسب و ممنوع ، به صورت تغنی و همراه با موسیقی طرب خوانده شود از ۳ جهت حرام است :
۱. مطلب حرام
  ۲. خوانندگی غیرمجاز و حرام
  ۳. نوازندگی حرام

### ۳۳. گوش دادن به خوانندگی و نوازندگی که از صدا و سیما پخش می شود چه حکمی دارد؟

- در خصوص تکلیف ما در باره تولید ، پخش ، توزیع و گوش کردن نوازندگی و خوانندگی صدا و سیما و نیز ابزارهای دیگری که در جامعه اسلامی موجود است، باید گفت :
- آنچه انسان می شوند از ۳ حال خارج نیست:
۱. حرمت آن معلوم است.
  ۲. حلال بودن آن معلوم است.
  ۳. حلال و حرام بودن آن معلوم نیست.
- تکلیف دو مورد اول مشخص است. اما حکم قسم سوم جواز است؛ اگر چه احتیاط بهتر است. زیرا گفته اند: در حریم وارد نشو تا در حرام نیوفتی ! از این رو گوش نکردن به موسیقی مشکوک مناسب تر است.



### مسائل اعتکاف را به روش پرسشی دسته‌بندی کنید.

تنظیم مسائل اعتکاف به روش پرسشی

۱. اعتکاف یعنی چه ؟
۲. چه کسانی می‌توانند معتکف شوند؟
۳. مکان‌های اعتکاف کدام است؟
۴. در چه زمان‌هایی می‌توان معتکف شد؟
۵. چگونه باید معتکف شد؟

### مقصود از تنظیم و دسته‌بندی عنوانی چیست؟ با یک مثال فقهی توضیح دهید. (در هنگام پاسخ به سوالات آزمون یک

مثال برای این مورد کافی است اما به جهت رجوع کمتر به کتاب مطلب به صورت کامل در پاسخ سوال درج شده است)

در این شیوه نخست یک سری عناوین مورد نیاز، قابل توجه و جذاب را انتخاب و مسائل مربوط به هر عنوان را از میان احکام شرعی به دست می‌آوریم و پس از آن عناوین دیگری را از میان آن‌ها استخراج می‌کنیم.

مثال :

تنظیم احکام لباس به شیوه عنوانی

اقسام لباس:

۱. لباس نماز؛ هرچند نامحرم نمازگزار را نبیند.
۲. لباس حجاب؛ لباس پوشش از نگاه نامحرم.
۳. لباس احرام؛ لباس حاجی و عمره‌گزار.
۴. لباس آخرت؛ لباس میت.

شرایط لباس نماز :

۱. مباح باشد؛ یعنی فرد مالک آن باشد یا اختیار پوشیدن آن را داشته باشد.
۲. پاک باشد؛
۳. از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد؛
۴. از اجزای مردار نباشد؛
۵. لباس شهرت نباشد؛
۶. لباس نمازگزار مرد، ابریشم خالص و طلا بافت نباشد.

شرایط لباس حجاب

۱. مباح باشد؛ همانند شرایط لباس نماز
۲. به مقدار لازم بدن را بپوشاند؛ یعنی مثلاً درباره زنان به گونه‌ای باشد که تمام بدن را بپوشاند مگر قسمتی از صورت که در وضو شسته می‌شود و دست‌ها تا مچ
۳. لباس شهرت نباشد؛ یعنی پوششی که از نظر دوخت، رنگ یا نوع پوشیدن به گونه‌ای باشد که فرد را در انظار مردم انگشت نما نکند.
۴. لباس جنس مخالف نباشد؛ یعنی لباسی که ویژه مردان یا زنان است را جنس مخالف نپوشد. برای نمونه کفش پاشنه بلند باریک و چادر ویژه خانم‌ها و کت و شلوار، به آن شکلی که آقایان می‌پوشند ویژه مردان است. این گونه موارد لباس مختص هر صنف است و اگرچه بدن جنس مخالف را بپوشاند، پوشش شرعی به حساب نمی‌آید. (برخی پوشش‌های مشترک که تفاوت‌های جزئی دارند مانند دمپایی پوشیدن آن برای یکدیگر اشکال شرعی ندارد)
۵. بدن نما (نازک) نباشد.
۶. محرک نباشد؛ یعنی محرک نامحرم و شهوت جنسی او نباشد. این گونه لباس‌ها هرچند لباس شهرت نیست، اما پوشیدن آن حرام است. مانند لباس‌های تنگ، کوتاه و برخی رنگ‌های خاص.
۷. برجستگی‌های بدن را بپوشاند؛ یعنی چنانچه لباسی بدن را بپوشاند ولی حجم آن را کاملاً نمایان سازد، از نظر شرعی جایز نیست.
۸. مروج فرهنگ ابتذال و دشمن نباشد؛ یعنی اگر لباسی از غرب یا شرق وارد کشور شود، یا حتی داخل کشور تولید شود و زشتی‌ها و بی‌بندوباری‌ها را تبلیغ کند، اشکال دارد. مانند برخی تصاویر و نوشته‌های روی لباس‌ها و نیز نوع دوخت آنها که تولیدکننده‌های داخلی آن را ترویج می‌کنند و خودباختگی خود را با نقش و نگارهای مستهجن و حروف لاتین نشان می‌دهند.
- لباس‌هایی که از کشورهای غربی وارد می‌شود ولی مروج فرهنگ ابتذال دشمن نباشد، پوشیدن آن اشکال ندارد.

## ۳۶. شرایط لباس حجاب را بیان نمایید.

### شرایط لباس حجاب

۱. مباح باشد؛ همانند شرایط لباس نماز
  ۲. به مقدار لازم بدن را بپوشاند؛ یعنی مثلا درباره زنان به گونه ای باشد که تمام بدن را بپوشاند مگر قسمتی از صورت که در وضو شسته می شود و دست ها تا مچ
  ۳. لباس شهرت نباشد؛ یعنی پوششی که از نظر دوخت، رنگ یا نوع پوشیدن به گونه ای باشد که فرد را در انظار مردم انگشت نما نکند.
  ۴. لباس جنس مخالف نباشد؛ یعنی لباسی که ویژه مردان یا زنان است را جنس مخالف نپوشد. برای نمونه کفش پاشنه بلند باریک و چادر ویژه خانم ها و کت و شلوار، به آن شکلی که آقایان می پوشند ویژه مردان است. این گونه موارد لباس مختص هر صنف است و اگرچه بدن جنس مخالف را بپوشاند، پوشش شرعی به حساب نمی آید. (برخی پوشش های مشترک که تفاوت های جزئی دارند مانند دمپایی پوشیدن آن برای یکدیگر اشکال شرعی ندارد)
  ۵. بدن نما (نازک) نباشد.
  ۶. محرک نباشد؛ یعنی محرک نامحرم و شهوت جنسی او نباشد. این گونه لباس ها هرچند لباس شهرت نیست، اما پوشیدن آن حرام است. مانند لباس های تنگ، کوتاه و برخی رنگ های خاص.
  ۷. برجستگی های بدن را بپوشاند؛ یعنی چنانچه لباسی بدن را بپوشاند ولی حجم آن را کاملا نمایان سازد، از نظر شرعی جایز نیست.
  ۸. مروج فرهنگ ابتذال و دشمن نباشد؛ یعنی اگر لباسی از غرب یا شرق وارد کشور شود، یا حتی داخل کشور تولید شود و زشتی ها و بی بندوباری ها را تبلیغ کند، اشکال دارد. مانند برخی تصاویر و نوشته های روی لباس ها و نیز نوع دوخت آنها که تولیدکننده های داخلی آن را ترویج می کنند و خودباختگی خود را با نقش و نگارهای مستهجن و حروف لاتین نشان می دهند.
- لباس هایی که از کشورهای غربی وارد می شود ولی مروج فرهنگ ابتذال دشمن نباشد، پوشیدن آن اشکال ندارد.

## ۳۷. احکام روابط دختر و پسر را به صورت دسته بندی عنوانی بنویسید.

تنظیم احکام روابط دختر و پسر (زن و مرد نامحرم) به شیوه عنوانی

۱. رابطه ذهنی؛ به معنای تخیل و به ذهن آوردن نامحرم، به فکر او بودن، علاقه پیدا کردن و عاشق شدن است.
۲. رابطه گفتاری؛ صحبت کردن حضوری، تلفنی، چت کردن و ...
۳. رابطه نوشتاری؛ عبارت از نامه نگاری معمولی، پیامک، ایمیل و ...
۴. رابطه دیداری؛ نگاه کردن
۵. تماس بدنی؛ لمس کردن، دست دادن و ...

۱. چنانچه رابطه ذهنی دارای شرایط زیر باشد از نظر شرعی اشکال ندارد و حکم به حرمت آن داده نمی شود:  
(الف) موجب تحریک شهوت جنسی نباشد.  
(ب) به قصد لذت نباشد.  
(ج) مفسده ای در پی نداشته باشد.

۲. رابطه گفتاری و نوشتاری دارای حکم یکسان است و با شرایط زیر بدون اشکال است:  
(الف) مطالبی که ردّ و بدل می شود، حرام و مبتذل نباشد.  
(ب) موجب تحریک قوه جنسی نباشد.  
(ج) مفسده ای در پی نداشته باشد.

۳. احکام رابطه دیداری، همان احکام نگاه است که در رساله های توضیح المسائل آمده است.
۴. تماس بدنی حرام است و هیچ گونه شرطی مبنی بر قصد لذت یا محرک بودن قوه جنسی ندارد، مگر در صورت اضطرار؛ مثل اینکه زنی در حال غرق شدن است و کسی نیست تا او را نجات دهد؛ در این صورت اگر برای نجات او ناچار به لمس بدن نامحرم بشود اشکال ندارد.

## ۳۸. رابطه نوشتاری با نامحرم در چه صورتی جایز است؟

رابطه نوشتاری با شرایط زیر بدون اشکال است:

- (الف) مطالبی که ردّ و بدل می شود، حرام و مبتذل نباشد.
- (ب) موجب تحریک قوه جنسی نباشد.
- (ج) مفسده ای در پی نداشته باشد.

### مقصود از «ساده گوئی» در بیان احکام چیست و برای تحقق آن چه اصولی باید رعایت شود؟

خداوند متعال می فرماید: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» و این قرآن را آسان ادا کردیم تا از آن پند گیرند . آیا پند گیرنده ای هست ؟ ( قمر- ۱۷ )

دین اسلام ، شریعت سهل و آسان و قابل فهم و عمل است. از این رو نباید با عبارت پردازی های پیچیده آن را سخت و دست نیافتنی جلوه دهیم.

پیامبر اکرم (ص) معاذین جبل را برای تبلیغ و ترویج شریعت اسلام به یمن گسیل می دارد و او را به نرمی در گفتار و پرهیز از مشکل جلوه دادن دین سفارش می کند : «بَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ»

بنابراین مبلفان و مسئله گویان نیز باید مسائل شرعی را روان و آسان برای مردم بازگو کنند. البته منظور از آسان گوئی آسان کردن احکام شرعی نیست؛ یعنی مثلاً نباید احتیاط واجب را به احتیاط مستحب و امر واجب را به غیرواجب تبدیل کرد؛ بلکه باید مطالب را به گونه ای بیان کرد که مخاطبان آن را به راحتی بفهمند و وظیفه ی شرعی خود را بدانند.

امیرمؤمنان علی (ع) در این باره می فرماید: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا لَا تَمَجُّهُ الْأَذَانُ وَلَا يَتَعَبُّ فَهْمُهُ الْإِفْهَامُ» بهترین سخن آن است که گوش نواز باشد و فهم آن دشوار نباشد.

منظور از ساده گوئی سخن گفتن به لسان قوم است و این بدان منظور نیست که مثلاً برای عرب زبان ها به عربی و برای اقوام و ملل دیگر به زبان خودشان احکام شرعی بیان شود ؛ بلکه منظور از آن نیکو و قابل فهم بیان کردن مطالب با رعایت دو اصل مهم

الف) پرهیز از اصطلاحات و کلمات نامأنوس و غیر ضروری

ب) استفاده از جملات کوتاه و روان است.

### ۴۰. اقسام اصطلاحات و لغات فقهی را با مثال بیان کنید و بنویسید کدام دسته را باید به کار ببریم؟

در یک تقسیم بندی می توان اصطلاحات فقهی را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. اصطلاحات و لغات مأنوس

۲. کلمات و اصطلاحات نامأنوس ولی ضروری

۳. اصطلاحات و لغات نامأنوس و غیر ضروری

۱. اصطلاحات و لغات مأنوس : اصطلاحاتی که مخاطبان با مفهوم آن آشنایند. بسیاری از اصطلاحات فقهی در این دسته است. مانند نماز صبح ، نماز ظهر ، نماز عصر ، خمس ، زکات و ....

۲. کلمات و اصطلاحات نامأنوس ولی ضروری : دسته ای از اصطلاحات با اینکه برای عموم مردم ناآشناست ، چاره ای جز به کارگیری آن ها نیست و به دست آوردن جایگزین مناسب برای آنها دشوار است. برای نمونه کلمه ی «عَسَل» در فارسی معادل مناسبی ندارد که همه معنا و مفهوم را برساند. کلمه ی « حد ترَّخَّص » نیز با اینکه دو کلمه است اما معنا و مفهوم آن به اندازه ای گسترده است که چنانکه بخواهیم معادل فارسی آن را جایگزین کنیم شاید بیش از یک سطر مطلب باشد. حدنصاب ، وقف ، وصیت ، استحاله ، تبعیت و ... نیز از آن جمله اند.

۳. اصطلاحات و لغات نامأنوس و غیرضروری : اصطلاحاتی که مردم با آن ها نامأنوس اند و به کارگیری آنها نیز ضروری نیست. مانند: فُقَاع ، جَهْر و اخفات ، عصیر عنبی ، مستهلك ، شارع مقدس ، موجر ، راهن ، مرتهن ، غرض عقلایی ، موهوب ، احراز ، تروی ، تجافی ، تذکبه ، قصدوجه ، نقدین ، ثمن و مثنی ، اذن و ....

\*\*\* دسته اول و دوم برای استفاده جایز است.

### ۴۱. مسأله زیر را به شکل ساده و روان بیان کنید.

«اگر حیوانی فری اوداج اربعه بشود مستقبلاً الی القبله با آلت حدیدیه به ید مسلمان با ذکر اسم جلاله، حلال است

و اگر نه حرام است.»

اگر حیوان حلال گوشت با شرایط زیر سر بریده شود ، گوشت آن حلال است:

۱. چهار رگ معروف بریده شود (اوداج جمع وَدَج، عبارت است از مری (مجرای طعام)، حلقوم (مجرای نفس که روی مری قرار دارد) و شاهرگهای دو طرف حلقوم)

۲. حیوان هنگام سر بریدن رو به قبله باشد؛

۳. با ابزار آهنی سر حیوان بریده شود؛

۴. شخص مسلمان سر حیوان را ببرد؛

۵- هنگام بریدن سر حیوان، بسم الله بگوید.

«اگر انسان یقین کند که وقت نماز شده و مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است و همچنین است اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده، ولی اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شده یا بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده، نماز او صحیح است.»

۱. اگر نماز گزار در بین نماز متوجه شود که وقت نماز هنوز داخل نشده است، نماز اول باطل است.
۲. چنانچه در بین نماز متوجه شود که هم اکنون وقت فرا رسیده، یعنی تا آن زمان وقت نماز نبوده و آنچه از نماز خوانده در خارج وقت بوده، نماز او صحیح است.
۳. اگر پس از نماز متوجه شود تمام نماز را قبل از وقت خود خوانده است، نماز او باطل است.
۴. اگر پس از نماز متوجه شود بخشی از نماز قبل از وقت بوده، نمازی که خوانده صحیح است.

راه‌های تحقق تبشیری بودن بیان احکام را نوشته، یکی را توضیح دهید.

راه‌های تحقق اصل تبشیر :

الف) ایجاد شوق و رغبت

ب) راه‌گشایی

ج) بیان کوتاه احکام کلیدی و کلی

الف) ایجاد شوق و رغبت :

احکام و مسائل شرعی را باید به گونه‌ای گفت که مخاطب تصور نکند اسلام از او سلب آزادی می‌کند، زیرا انسان شیفته‌ی آزادی است و چنانچه پای بندی به دین را از دست دادن آزادی بدانند، بعید است گرایش چندانی به دین داشته باشد. از نظر شریعت اسلام هرچند آزادی انسان مطلق نیست اما بنایی بر سلب آزادی از انسان ندارد و در بسیاری از امور که در شمارش ننگد او را مختار می‌داند و احکام عملی را بر همین اساس پایه‌ریزی کرده است.

در اسلام چهار اصل مهم وجود دارد که پایه و رکن یک زندگی سهل و ممکن همراه با پایبندی به شریعت مقدست است:

۱. اصل طهارت؛ اصل این است که همه چیز پاک است.
۲. اصل اباحت؛ اصل این است که انجام همه کارها جایز است، مگر آنکه دلیلی بر منع آن‌ها باشد.
۳. اصل حلیت؛ همه‌ی خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها پاک و طیب و به حکم اولی حلال هستند و فقط در مواردی که برای انسان مضر باشد به حکم ثانویه حرام است.
۴. اصل صحت؛ اگر اعمال دیگران را صحیح بدانیم بسیاری از تصورات اشتباهی که برای خود می‌سازیم برطرف می‌شود.

ب) راه‌گشایی

یکی دیگر از امور برای تحقق اصل تبشیر راه‌گشایی و حل مسائل مردم است. افرادی که جویای احکام دینی اند، باید پس از شرکت در جلسه‌های مذهبی، احساس انس و الفت بیشتری با دین پیدا کنند و راه حل مشکلات و مسائل روزمره و مورد ابتلای خود را بیابند و ابهامات یا برداشت‌های ناصحیحی که شاید در ذهن آنها نقش بسته، زدوده شود.

ج) بیان کوتاه احکام کلیدی و کلی

گسترده‌ی مسائل شرعی و نیاز روزمره مردم به آنها، وظیفه‌ی مبلغان و مسئله‌گویان را در طرح احکام کلیدی دوچندان می‌کند. باید به مردم آموخت که عمل به تکالیف شرعی و پرهیز از امور بازداشته شده، راه زندگی مسلمانان است. باید راهی را برای آموزش مسائل انتخاب کرد که بتوان مباحث مهم و مورد ابتلا را با عباراتی کلی و کوتاه بیان کرد؛ مانند:

تمام نمازها باید با طهارت (از حدث و خبث) باشد به جز نماز میت

کیفیت انجام تمام غسل‌ها یکسان است، فقط در نیت متفاوت اند.

تمام کارهایی که با وضو صحیح است، با تیمم بدل از وضو نیز صحیح است.

هر چیز نجسی حرام است؛ ولی هرچیز حرامی نجس نیست.

... و

#### الف) در بحث اصل تبشیر منظور از ایجاد شوق و رغبت در بیان احکام چیست؟

الف) ایجاد شوق و رغبت :

احکام و مسائل شرعی را باید به گونه ای گفت که مخاطب تصور نکند اسلام از او سلب آزادی می کند ، زیرا انسان شیفته ی آزادی است و چنانچه پای بندی به دین را از دست دادن آزادی بداند ، بعید است گرایش چندانی به دین داشته باشد. از نظر شریعت اسلام هرچند آزادی انسان مطلق نیست اما بنایی بر سلب آزادی از انسان ندارد و در بسیاری از امور که در شمارش نگنجد او را مختار می داند و احکام عملی را بر همین اساس پایه ریزی کرده است.

در اسلام چهار اصل مهم وجود دارد که پایه و رکن یک زندگی سهل و ممکن همراه با پایبندی به شریعت مقدست است:

۱. اصل طهارت ؛ اصل این است که همه چیز پاک است.
۲. اصل اباحه ؛ اصل این است که انجام همه کارها جایز است ، مگر آنکه دلیلی بر منع آن ها باشد.
۳. اصل حلیت ؛ همه ی خوراکی ها و نوشیدنی ها پاک و طیب و به حکم اولی حلال هستند و فقط در مواردی که برای انسان مضر باشد به حکم ثانویه حرام است.
۴. اصل صحت ؛ اگر اعمال دیگران را صحیح بدانیم بسیاری از تصورات اشتباهی که برای خود می سازیم برطرف می شود.

#### ب) چهار اصل مهم در اسلام که پایه و رکن زندگی سهل و ممکن، همراه با پای بندی به شریعت است، کدامند؟

در اسلام چهار اصل مهم وجود دارد که پایه و رکن یک زندگی سهل و ممکن همراه با پایبندی به شریعت مقدست است:

۱. اصل طهارت ؛ اصل این است که همه چیز پاک است.
۲. اصل اباحه ؛ اصل این است که انجام همه کارها جایز است ، مگر آنکه دلیلی بر منع آن ها باشد.
۳. اصل حلیت ؛ همه ی خوراکی ها و نوشیدنی ها پاک و طیب و به حکم اولی حلال هستند و فقط در مواردی که برای انسان مضر باشد به حکم ثانویه حرام است.
۴. اصل صحت ؛ اگر اعمال دیگران را صحیح بدانیم بسیاری از تصورات اشتباهی که برای خود می سازیم برطرف می شود.

#### مقصود از « اصل اباحه » چیست؟ یک مثال فقهی برای آن بیان نمایید.

اصل اباحه ؛ اصل این است که انجام همه کارها جایز است ، مگر آنکه دلیلی بر منع آن ها باشد. بنابراین در صورت یقین به حرمت کاری باید از انجام آن امتناع کرد و در غیر این صورت انجام آن مباح و جایز است.

مثلا در امر ورزش و مسابقه ابتدا باید از انواع مجاز آن که مجموعه بزرگی است ، مانند کوهنوردی ، دو میدانی ، اسب سواری ، تیراندازی ، شنا ، تنیس ، والیبال و ... سخن گفت و سپس این نکته را یادآور شد که ورزش ها و مسابقات فقط در دو صورت حرام و ممنوع است:

۱. اگر وسیله بازی و مسابقه وسیله قمار باشد؛

۲. برد و باخت داشته باشد.

در نتیجه مخاطب این نکته ی مهم را در می یابد که ورزش و مسابقه و تفریح های حلال در اسلام ، بسیار بیشتر از موارد حرام است.

#### اصل صحت در اعمال را با ذکر مثال توضیح دهید.

اصل صحت ؛ اگر اعمال دیگران را صحیح بدانیم بسیاری از تصورات اشتباهی که برای خود می سازیم برطرف می شود.

لباسی که یک مسلمان شسته طاهر است. گوشتی که از بازار مسلمانان تهیه می شود ، حلال است و ...

باید قصد و عمل دیگران را بر خیر و صلاح تعبیر کنیم تا در روابط اجتماعی خود دچار بدگمانی نباشیم. نباید با سوالاتی مانند اینکه آیا دیگران با احکام دین آشنایند یا نه ؟ آیا احکام طهارت ، ذبح و ... را می دانند یا نه ؟ گرفتار سوء ظن که عملی بسیار ناپسند است بشویم.

#### در بحث اصل تبشیر، منظور از «گره گشایی» چیست؟ یک مثال برای آن ذکر کنید.

راه گشایی

یکی دیگر از امور برای تحقق اصل تبشیر راه گشایی و حل مسائل مردم است. افرادی که جویای احکام دینی اند ، باید پس از شرکت در جلسه های مذهبی ، احساس انس و الفت بیشتری با دین پیدا کنند و راه حل مشکلات و مسائل روزمره و مورد ابتلای خود را بیابند و ابهامات یا برداشت های ناصحیحی که شاید در ذهن آنها نقش بسته ، زوده شود.

نمونه هایی از ابهامات و سوالاتی که بخشی از مردم را مشغول داشته است از این قرار است:

۱. برخی خیال می کنند سوسک ، موش ، استفراغ و ... نجس است ؛ در حالی که چنین نیست
۲. برخی به گمان اینکه خرگوش حلال گوشت است از آن غذا تهیه می کنند و حال آنکه هیچ یک از مراجع عظام تقلید ، حلیت آن را تأیید نمی کنند.
۳. آیا لازم است مأموم در نماز جماعت در حال تجافی\* ، تشهد بخواند؟
۴. آیا گفتن «بسم الله» در ابتدای تسبیحات اربعه لازم است؟
۵. آیا سجده سهو تکبیره الاحرام دارد؟
۶. در سجده سهو ، دو سجده لازم است یا یکی ؟
۷. موکت نجس چسبیده به زمین را چگونه باید آب کشید؟
۸. آیا ماشین های لباس شویی تمام اتوماتیک مطهر و پاک کننده اند ؟

\* تجافی : دور کردن بازوان و آرنجها از پهلو و همچون دو بال گشوده قرار دادن آنها بلند کردن شکم از زمین بلند کردن زانوها از زمین و به حالت نیمخیز قرار گرفتن.

## ۴۸ منظور از «طرح احکام کلیدی» چیست؟ با مثال توضیح دهید.

بیان کوتاه احکام کلیدی و کلی

گسترده‌گی مسائل شرعی و نیاز روزمره مردم به آنها ، وظیفه مبلفان و مسئله گویان را در طرح احکام کلیدی دوچندان می کند. باید به مردم آموخت که عمل به تکالیف شرعی و پرهیز از امور بازداشته شده ، راه زندگی مسلمانان است. باید راهی را برای آموزش مسائل انتخاب کرد که بتوان مباحث مهم و مورد ابتلا را با عباراتی کلی و کوتاه بیان کرد:

مانند:

تمام نمازها باید با طهارت ( از حدث و خبث) باشد به جز نماز میت  
کیفیت انجام تمام غسل ها یکسان است ، فقط در نیت متفاوت اند.  
تمام کارهایی که با وضو صحیح است ، با تیمم بدل از وضو نیز صحیح است.  
هر چیز نجسی حرام است ؛ ولی هرچیز حرامی نجس نیست .  
هیچ یک از نمازهای واجب و مستحب به جز نمازهای واجب یومیه و قضای آن ها اذان و اقامه ندارد.  
همه نمازهای مستحبی دو رکعتی هستند به جز نماز وتر.

در هیچ یک از نماز های مستحب خواندن سوره لازم نیست ، مگر آنکه آیه یا سوره خاصی وارد شده باشد؛ مانند نماز غفیله که اگر آن آیات خاص خوانده نشود نماز غفیله نیست؛ یا نماز لیلۃ الدفن که باید با سوره قدر و آیت الکرسی خوانده شود ؛ اما در سایر نمازهای مستحب که سوره یا آیه خاصی در آن وارد نشده است ، خواندن سوره لازم نیست ؛ هرچند اگر سوره خوانده شود ، ثواب بیشتری دارد.

## ۴۹ الف) تفسیر درست و تفسیر غلط در مورد جمله «تعیین مصداق در شأن فقیه نیست.» را بیان نمایید.

چنانچه کسی بگوید تعیین و تشخیص مصداق در شأن فقیه نیست باید از او پرسید: آیا فقیه در مقام استنباط و صدور فتوا نباید تعیین مصداق کند یا در مقام ابلاغ ؟  
پاسخ روشن این است که بله تعیین مصداق در مقام استنباط و صدور فتوا در شأن فقها نیست ، اما در مقام ابلاغ و تبلیغ کار اساسی مبلفان دین تعیین مصداق و ذکر مثال است.

## ب) مثال و مصداقی که برای احکام استفاده می کنیم؛ چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ یک نمونه ذکر کنید.

شرایط و ویژگی های مثال

۱. مطابق با حکم باشد ؛ در غیر این صورت ممکن است موجب فهماندن نادرست حکم بشود و مخاطب را به اشتباه بیندازد.
۲. براساس نیاز مخاطب باشد؛ چنانچه مثال و مصداق ذکر شده چندان ربطی به زندگی مخاطب نداشته باشند بهره ای در پی نخواهد داشت.  
در این رابطه ملاک های تأثیرگذار و تعیین نیاز ، مانند زمان ، مکان و شرایط زندگی مخاطبان باید در نظر گرفته شود، برای نمونه :  
الف) در بحث کیفیت تطهیر اشیاء ، دیوار و ظرف به چگونگی تطهیر تنور مثال زده اند ؛ در حالی که این مثال در زمان حاضر برای اکثر مردم کاربرد ندارد ، زیرا شرایط زندگی تغییر کرده است . در گذشته این نمونه و مصداق برای کسانی که در منازلشان تنور گلی نان پزی داشتند و احياناً به وسیله گربه یا بچه نجس می شد ، کارایی داشت ؛ اما اکنون اکثر مردم با تنور سروکار ندارند پس بهتر است از مثال های مورد ابتلا استفاده شود تا ثمره بیشتری داشته باشد.
- ب) همچنین در بحث طهارت ، خرده ی گل یا آشنان ذکر شده که مربوط به گذشته بوده است. آشنان گیاهی صحرایی و خودرو است که در قدیم مردم آن را کوبیده و برای شستن لباس استفاده می کردند. در حال حاضر به جای این مثال باید از انواع پودر های لباس شویی نام برد و احکام را با این مصداق توضیح داد.
- ج) در بحث جُعاله آمده است: اگر مالی را که قرار می گذارد بهد ، معین کند ، مثلاً بگوید : هرکس اسب مرا پیدا کند ، این گندم را به او می دهم ، لازم نیست بگوید گندم محصول کجا و قیمت آن چند است؟ همان گونه که پیداست ، برای این زمان مثال های این مسئله کاربرد ندارد و به جای اسب از کیف ، کارت عابر بانک ، اتومبیل و ... و به جای گندم از کارت هدیه ، پول و ... باید مثال زد.
- د) در بحث اجاره ، از حیوان مثال زده اند ؛ در حالی که در زمان ما باربری حیوان موضوعیت ندارد . پس برای کاربردی کردن باید از ماشین نام برد و حکم اجاره آن را توضیح داد.

۵۰. در بحث روش نوشتاری بیان احکام، چه مطالبی بهتر است روی تابلو نوشته شود؟

می توان پرسش هایی را که در تقسیم بندی پرسشی احکام مطرح می شود روی تابلو نوشت. ترسیم نمودارها بر روی تابلو نیز مفید و ضروری است.

نوشتن نکات خاص و مورد تأکید نیز بر روی تابلو بر اهمیت و تأثیرگذاری آن می افزاید؛ چنانچه از عبارت «مسائلی را که انسان غالباً به آن نیاز دارد واجب است یادبگیرد» می توان دو کلمه ی «نیاز» و «واجب» را بر روی تابلو نوشت .

۵۱. برای افزایش کارایی و بهره دهی امور آموزشی و کاهش خستگی و یک نواختی چه هنرهایی مفیدند؟ چهار مورد را نام ببرید.

شماره ی از هنرها می تواند تأثیر شگرفی در افزایش کارایی و بهره دهی امور آموزشی داشته باشد

۱. نقاشی ۲. خط خوب و زیبا ۳. شعر ۴. فیلم و نمایش ۵. داستان ۶. جدول ۷. معما و پرسش

۵۲. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» این روایت به کدام یک از اصول چگونگی بیان

احکام اشاره دارد؟ برای این اصل یک مثال بیاورید.

«صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» نماز بخوانید همان گونه که من نماز می خوانم.

آموزش عملی در تبلیغ دین باید مورد نظر مبلِّغ باشد.

در سیره معصومان علیه السلام شیوه های آموزش عملی مسائل دینی نمونه های فراوانی دارد.

حکایت وضوی امام حسن و امام حسین علیه السلام نزد پیرمردی که اشتباه وضو می گرفت از این قبیل است.

۵۳. یک مورد آموزش عملی احکام دین توسط حضرات معصومین (علیهم السلام) را بیان نمایید.

حکایت وضوی امام حسن و امام حسین علیه السلام نزد پیرمردی که اشتباه وضو می گرفت از این قبیل است.

امام مجتهد باقر علیه السلام نیز وضوی پیامبر اکرم صل الله علیه و آله را به صورت عملی به مردم آموزش می داد.

از دیگر موارد آموزش عملی ، طواف پیامبر گرامی اسلام صل الله علیه و آله گرد کعبه بر روی شتر بود. با اینکه طواف پیاده افضل بر طواف سواره است ، ام این رفتار حضرت جنبه آموزش صحیح طواف سواره بود.

آموزش عملی نماز توسط امام صادق علیه السلام به حماد بن عیسی (روایت مفصل است)

\*\*\* یکی از منابعی که شیعه مسائل شرعی را از آن به دست می آورد سنت معصومین علیهم السلام است. سنت شامل : قول، فعل و تقریر معصوم علیه السلام است. \*\*\*

۵۴. پرسش آزمودنی از مخاطبان به چند روش قابل اجراست؟ توضیح دهید.

این شیوه به دو روش قابل اجراست:

۱. روش کتبی ۲. روش شفاهی

۱. روش کتبی : در این روش می توان با طراحی پرسشنامه درباره مسائل جلسات قبل و برگزاری مسابقه و اهدای جوایز ، انگیزه مخاطبان را در یادگیری و شرکت در جلسات تقویت کرد.

۲. روش شفاهی : از آنجا که این روش ساده تر و فراگیرتر است و افزون بر جلسات آموزشی در جلسات تبلیغی نیز قابل اجراست ، توجه ویژه به نحوه برگزاری این شیوه را توصیه می کنیم.

۵۵. منظور از پرسش آموزشی چیست و چه نتیجه ای دارد؟

در آغاز هر بحث می توان با طرح یک یا چند پرسش و شنیدن پاسخ مخاطبان ، به میزان معلومات آنان پی برد و با جمع بندی ، اصلاح و تکمیل مطالب ، پاسخ صحیح را بیان کرد. در خلال مباحث نیز می توان با پرسیدن برخی از مطالب از مخاطبان ، آن ها را در بحث شرکت داد. از این روش ، دو نتیجه به دست می آید

الف) ایجاد شور و نشاط و پرهیز از یکنواختی جلسه

ب) کمک به گوینده ، رفع خستگی و حتی جبران برخی کاستی های ناشی از فراموشی احتمالی مطالب.

۵۶. مخاطبان در طرح سوالات خود، به چه نکاتی باید توجه نمایند؟ توضیح دهید.

چنانچه مربی و مبلِّغ شیوه صحیح طرح سوال را به مخاطبان بیاموزد ، به صحت و قوت پاسخ گویی خود نیز کمک کرده است. درباره طرح سوال ذکر چند نکته ضروری است :

الف ( طرح سوالهای عمومی ؛ باید از مخاطبان خواسته شود از طرح سوال های شخصی و جزئی که طرح آن ها در حضور جمع مناسب نیست پرهیز کنند.

ب) ارتباط منطقی سوال با بحث ؛ سخن گو باید از طرح سوال های نامربوط به بحث اجتناب کند و مخاطبان را نیز به پرهیز از این کار فرا بخواند.

ج) اختصار و گویا بودن سوال ؛ باید از طرح سوال های نامفهوم پرهیز کرد؛ چرا که اکثر پرسش های نامفهوم پاسخ صحیحی به دنبال ندارد.

۵۷

**پاسخ گویی صحیح به سؤالات فقهی مخاطبان، چگونه حاصل می‌شود؟**

برای پاسخگویی صحیح به سؤالات افزون بر آمادگی علمی که موجب اعتماد به نفس و آرامش است ، باید آمادگی روانی لازم را نیز به دست آورد. نیت مخاطبان از پرسش را باید حمل بر یادگیری کرد نه ایرادگیری . توهمات و تصورات ساختگی ، تأثیر زیادی در به هم زدن ثبات و آرامش روانی مرتبی و مبلّغ دارد.

۵۸

**پاسخ‌های شفاهی به سؤالات شفاهی مخاطبان در چه فرصت‌هایی قابل طرح است؟**

پاسخ های شفاهی را می توان در فرصت های زیر مطرح کرد:

الف) در اثنای بحث :

البته برای این کار ، مرتبی یا مبلّغ باید دارای توان علمی و مدیریتی لازم باشد تا طرح سوال در اثنای بحث موجب از هم گسیختگی کلاس نشود.

ب) در پایان بحث :

برای پاسخگویی در پایان بحث، بهتر است طرح سوال را نیز به پایان بحث واگذار کرد تا هم روند بحث بهتر باشد و هم از آشفتگی و شلوغی جلسه جلوگیری شود. مثلاً بحث وضو اگر در چند جلسه تدریس می شود پس از اتمام بحث وضو ، به سوال های مربوط به آن پاسخ داده می شود.

ج) در پایان هر جلسه :

چند دقیقه از فرصت پایانی در هر جلسه درس را به پاسخ سوال های افراد اختصاص دهیم .

د) پاسخ در جلسه آینده :

از این شیوه بیشتر در طرح پرسش های کتبی استفاده می شود . بدین ترتیب که پس از جمع آوری سؤالات کتبی ، سؤالات تکراری حذف و پاسخ ها به مراجعه به منابع اصلی برای جلسه آینده آماده می شود. به کارگیری شیوه های یادشده به توانایی علمی مرتبی و مخاطب ، موقعیت جلسه و افراد حاضر بستگی دارد.

۵۹

**پاسخ شفاهی به سؤالات شفاهی مخاطبان در اثنای بحث منوط به چیست؟**

پاسخ شفاهی به سؤالات شفاهی مخاطبان در اثنای بحث :

البته برای این کار ، مرتبی یا مبلّغ باید دارای توان علمی و مدیریتی لازم باشد تا طرح سوال در اثنای بحث موجب از هم گسیختگی کلاس نشود.

۶۰

**الف) در پاسخ گویی شفاهی به سؤال مخاطبان، منظور از «پاسخگویی در پایان بحث» چیست؟ یک مثال بزنید.**

در پایان بحث :

برای پاسخگویی در پایان بحث، بهتر است طرح سوال را نیز به پایان بحث واگذار کرد تا هم روند بحث بهتر باشد و هم از آشفتگی و شلوغی جلسه جلوگیری شود. مثلاً بحث وضو اگر در چند جلسه تدریس می شود پس از اتمام بحث وضو ، به سوال های مربوط به آن پاسخ داده می شود.

**ب) چرا در این روش، بهتر است طرح سؤال نیز به پایان بحث واگذار شود؟**

بهتر است طرح سوال را نیز به پایان بحث واگذار کرد تا هم روند بحث بهتر باشد و هم از آشفتگی و شلوغی جلسه جلوگیری شود.

۶۱

**در چه صورتی پاسخ سوال فقهی باید به صورت کتبی باشد؟**

در دو صورت پاسخ سوال باید به صورت کتبی داده شود :

الف) تقاضای پرسشگر (ب) تشخیص و مصلحت سنجی

الف) تقاضای پرسشگر :

چنانچه کسی مایل نباشد سوال و جواب او در میان جمع مطرح شود و درخواست پاسخ کتبی داشته باشد ، پاسخگو جواب را در ذیل همان سوال می نویسد.

ب) تشخیص و مصلحت سنجی :

گاهی اوقات طرح و پاسخ برخی مسائل در میان جمع مناسب نیست . در این موارد نیز باید از روش کتبی بهره برد.

۶۲

**منظور از «اصل پرهیز از بیان مسائل شک برانگیز» در بیان احکام چیست؟ یک نمونه برای آن ذکر نمایید.**

اصل پرهیز از بیان مسائل شک برانگیز

بیان برخی مسائل شرعی باید به گونه ای باشد که شنونده دچار وسواس و شک در اعمال خود نشود.

این مطلب را با ذکر چند مثال توضیح می دهیم:

«اگر مگس یا حیوانی مانند آن روی چیزی که تر است بنشیند و بعد روی چیز پاکي که آن هم تر است بنشیند ، چنانچه انسان



بداند نجاست همراه آن حیوان بوده است چیز پاک نجس می شود».

اگرچه این مسئله یکی از احکام فقهی است، اما طرح آن در جلسات عمومی لازم نیست. البته چنانچه پرسش های افراد در قالب چنین مباحثی باشد، باید به گونه ای پاسخ داده شود که ضمن بیان وظیفه شرعی، افراد را دچار وسواس و احتیاط های نابه جا نکند.

مثلاً برای این مسئله می توان گفت :

اگر مگس یا شیبه به آن از روی چیز نجس برخیزد و روی شیء پاک بنشیند، چنانچه ندانیم آن حیوان ناقل چیز نجسی بوده، یا اگر هم بوده به شیء پاک سرایت کرده، آن شیء پاک محکوم به طهارت است. اگرچه رعایت احتیاط مطلوب و معقول است، اما گاهی ترک آن ارجح است. مگر مگس چه مقدار است که با پای خود نجاستی را جا به جا کند؟ حتی اگر پای مگس نجس شود، همین که از جای برخیزد احتمال خشک شدن آن بسیار است.

### ۶۳. چرا در جلسات بیان احکام، از بیان استدلال فقهی باید پرهیز کرد؟

اصل پرهیز از استدلال فقهی در بیان احکام

آموزش احکام فقهی در حوزه های علمی در ۳ مرحله انجام می شود:

۱. مرحله فقه غیر استدلالی

۲. مرحله فقه نیمه استدلالی

۳. مرحله تمام استدلالی

طلبه ها و دانشجو ها تا زمانی که از قدرت تحلیل برخوردار نشوند، بحث های علمی بدون استدلال برایشان گفته می شود، اما در ادامه مسیر که با مباحث آشنا شدند و قوه تحلیلیشان تقویت شد، برای بدست آوردن تخصص، مباحث را به صورت استدلالی می آموزند.

یک دانشجوی پزشکی، برای کسب تخصص باید همه مباحث پزشکی را با استدلال و دلیل بیاموزد؛ اما یک بیمار فقط به دنبال بهبودی و درمان است و قصد آموختن علم پزشکی را ندارد؛ از این رو پزشک برایش هیچ استدلالی نمی آورد.

مقلدان نیز از مجتهدان، فقط دستورالعمل شرعی را می خواهند و به دنبال دلیل ها و استدلالهای فقهی آن نیستند. حال حتی اگر هم فردی به دنبال اطلاع از استدلال های فقهی برای غیر اهل فن، نه تنها مفید نیست، بلکه گاهی ضرر های جبران ناپذیری هم دارد.

### ۶۴. به روایت «الزرع للزّارع و لو كان غاصباً» برای اثبات چه ادعایی استدلال شده است؟ اشکال این استدلال چیست؟ ( نمونه ای از استدلال نابجای فقهی )

در اوایل انقلاب برخی افراد مصرّ بودند که زمین ها را باید از فتودال ها گرفت و به کشاورزها داد و اگر در برابر این ها کسی به مالکیت اربابان و صاحبان زمین ها استدلال می کرد، آن ها به این روایت تمسک می کردند: « الزرع للزّارع و لو كان غاصباً » و معتقد بودند که بنا به این روایت کسی که روی زمین زراعت کرده، مالک آن است، هرچند غاصب باشد. حال با اینکه شاید این استدلال بتواند عموم مردم را قانع کند، اما اهل فن به اشتباه بودن آن اذعان دارند؛

زیرا در روایت آمده « الزرع للزّارع » نه « الارض للزّارع » یعنی زرع برای زارع است نه زمین برای زارع. فتوای فقها نیز بر همین اساس است که اگر کسی در زمین دیگری، هرچند غاصبانه چیزی بکارد و آن درخت ثمر دهد، ثمره آن، از آن زارع است. اگرچه گناه کرده و باید اجرت المثل زمین را به صاحب آن بپردازد. صاحب زمین حق دارد آن چیز را از زمین بیرون آورد و زارع حق هیچگونه اعتراضی ندارد و باید خسارتی که به سبب بیرون آوردن درخت از زمین وارد شده است را بپردازد و زمین را به حال اولش بازگرداند و یا صاحب زمین را راضی کند.

### ۶۵. الف) چرا در بیان احکام نباید وارد فلسفه احکام شویم؟

اصل پرهیز از بیان فلسفه احکام

در حوزه فقه ۳ نوع پرسش هست که برای جواز مورد پاسخ گفتن به آن ها باید دقت کرد:

الف) پرسش از حکم مسئله برای شناخت وظیفه؛ مانند: آیا فلان عمل جایز است؟ آیا فلان معامله یا قرار داد صحیح است؟

ب) پرسش از دلیل حکم؛ مانند: وجوب قصر بودن نماز در سفر براساس کدام آیه یا روایت است؟

پ) پرسش از فلسفه یا چرایی حکم؛ مانند

چرا نماز صبح دو رکعت است؟

چرا باید حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته خواند؟

چرا سجده در هر رکعت نماز دو تا است؟

چرا دیه زن، نصف دیه مرد است؟

چرا زن نمی تواند مرجع تقلید، قاضی و ... بشود؟

پرسش های نوع اول نه تنها جایز که برای اطلاع از وظیفه شرعی واجب است و مبلّغان نیز باید با تمام تلاش پاسخ های صحیح را بیان کنند.

پاسخ به پرسش های نوع دوم ، گاه مجاز و گاه غیر مجاز است.

در مورد پرسش های نوع سوم و جواز پاسخگویی به آن ، بحث های جدی وجود دارد.

احکام شرعی بر دو قسم است: ۱. عقلانی ۲. فراعقلانی

عقلانی بودن برخی احکام دین بدین معناست که عقل انسان نیز قادر به فهم فلسفه و حکمت آن است. اما حکمت احکام فوق عقلانی فراتر از عقل بشر است و این یکی از ویژگی های برخی از احکام شرعی است و چنانچه مکلفان بخواهند فلسفه احکام را بدانند ، در خیلی از موارد عاجز می مانند و اگر معصومین علیهم السلام حکمت های این احکام را بیان نکرده باشند ، برکسی آشکار نمی شود.

درضمن فراعقلی بودن احکام شرعی امتیاز ویژه و وجه برتری آن ها بر احکام عقلانی بشر است. اگر بنا بود بشر با بهره گیری از عقل به تنهایی بتواند راه سعادت را بیابد دیگر نیازی به وحی و پیامبران نبود و حال آنکه فلسفه و ضرورت نبوت ، در علم کلام با دلایل عقلانی ثابت شده است.

## ب) در جلسات بیان احکام در چه صورت می توان فلسفه احکام را بیان کرد؟

در جلسات آموزش مسائل شرعی بیان فلسفه احکام مجاز نیست ، مگر:

۱. حکمت قطعی در دست داشته باشیم.

۲. سبب تقویت اعتماد مخاطبان شود.

## ۶۶ در مواردی که اختلاف فتوا وجود دارد در جلسات کوتاه مدت و بلند مدت، فتوای کدام مرجع تقلید را بگوییم؟

در جلسات کوتاه مدت :

۱. فقط مسائل مورد اتفاق مراجع تقلید را بیان کرد؛

۲. مسئله گو بر اساس نظر مرجع تقلید خودش ، مسائل را بیان کند.

در جلسات بلند مدت :

می توان فتوای مرجع تقلید خود یا مرجع تقلیدی که بیشترین مقلد بین مخاطبان دارد را بیان کرد.

## ۶۷ «اختلاف در تعبیر فتوایی» با «تفاوت فتوا» چه فرقی دارد؟ با مثال توضیح دهید.

اختلاف فتوا :

برای تصمیم گیری صحیح هنگام اختلاف فتوا باید دانست ، تفاوت فتاوا در رساله های علمیه به یکی از دو دلیل زیر است :

۱. گاهی اختلاف در شیوه نگارش است.

۲. گاهی اختلاف در تعبیر است ؛ ولی از نظر محتوا یکسان است. مانند: اظهر و ظاهر.

اختلاف در تعبیر :

پرداختن به این دسته اگرچه ثمره علمی دارد ، ولی نتیجه عملی ندارد و تکلیف مکلف را تغییر نمی دهد. برای نمونه اگر یک مرجع بفرماید:

«واجب است» و دیگری بفرماید «جواب آن خالی از قوت نیست» هر دو تعبیر در مقام صدور فتوا بوده و از نظر عملی تفاوتی با یکدیگر ندارند.

تعبیر دیگری نیز مانند : «بعید نیست» ، «مشهور است» ، «اشهر چنین است» ، «ظاهر این است» ، «خالی از قوت نیست» ، «خالی از وجه نیست» ، هر چند دارای معانی مختلفی است ولی بیشتر ناظر به کیفیت دلالت ادله آن مسئله است و برای مکلف ثمره عملی ندارد و تنها برای اهل علم مفید است.

تعبیر «مشکل است» ، «محل تأمل است» ، «محل اشکال است» و «خالی از اشکال نیست» در مقام احتیاط واجب است و تنها اختلاف در تعبیر است.

## ۶۸ منظور از «فتاوی مختلفی که قابل جمعند» چیست؟ ضمن توضیح آن، مثال بزنید.

دسته ای از فتاوا تفاوت عملی دارند ؛ اما قابل جمع اند؛ بدین معنا که می توان یک فتوا را بیان و از دیگر فتاواها چشم پوشی کرد.

در این صورت چنانچه مقلدان دیگر مراجع نیز به آن فتوا عمل کنند به وظیفه شرعی خود عمل کرده اند؛ زیرا ترک واجب نکرده و مرتکب حرام نیز نشده اند.

در این دسته از فتاوا با وجود تفاوت، قابل جمع اند ، فتاویایی هست که ذکر تفاوتشان برای مخاطبان لزومی ندارد. در اینجا نمونه هایی از آن را بیان می کنیم:

۱. برخی از مراجع مقدار واجب مسح روی پا را تا برآمدگی می دانند و برخی دیگر تا مفصل پا. در صورت بیان قول دوم نیازی به بیان قول اول نیست و مقلدان هر دو گروه در صورت عمل به آن ، به وظیفه شرعی خود عمل کرده و مرتکب کارحرام نیز نشده اند.

۲. برای شستن ظرف نجس ، برخی مراجع گفته اند : «ظرف نجس را با آب قلیل سه مرتبه باید شست ، بلکه در کر و جاری هم احتیاط سه مرتبه است». برخی دیگر نیز شستن یک مرتبه در کُر و جاری را کافی می دانند.

در صورت گفتن فتوای اول ، بیان فتوای دوم ضرورتی ندارد. شخصی که مقلد مرجعی است که شستن ظرف نجس در کر و جاری را یک مرتبه کافی

می داند ، اگر سه مرتبه بشوید ، به طریق اولی طرفش پاک است.

۳. درباره مسح سر ، که پس از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کشید، به نظر برخی از مراجع ، این عمل لازم نیست با دست راست باشد، برخی دیگر ، بنا بر احتیاط واجب آن را با دست راست می دانند و برخی نیز می گویند: مسح سر باید با دست راست باشد. حال در صورت بیان اینکه : «مسح سر باید با دست راست باشد»، همه ی مقلدان مراجع مذکور ، در صورت عمل به آن ، به وظیفه عمل کرده اند و حتی مقلدان مرجعی که مسح را با دست راست واجب نمی دانند ، نیز مرتکب ترک واجب نشده و کار حرامی انجام نداده است.

۴. درباره غسل جبیره ای برخی مراجع گفته اند: غسل جبیره ای مثل وضو جبیره ای است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی به جا آورد نه ارتماسی و برخی دیگر ترتیبی به جا آوردن آن را احتیاط مستحب می دانند. حال اگر فتوای اول گفته شود ، بیان نظر دوم ضرورتی ندارد.

۵. فتوای برخی مراجع این است: هر ذکری در رکوع کافی است، به شرط آنکه از سه مرتبه «سبحان الله» کمتر نباشد. برخی دیگر از مراجع گفته اند: بنا بر احتیاط واجب کمتر از سه «سبحان الله» نباشد.

اگر گفته شود باید از سه مرتبه «سبحان الله» کمتر نباشد، اشکالی پیش نمی آید ، زیرا مقلد مرجع دیگر نیز که سه مرتبه می گوید به احتیاط واجب عمل کرده است.

### کدام دسته از تفاوت فتاوا باید برای مخاطبان گفته شود؟ با ذکر مثالی توضیح دهید.

۶۹

دسته ای دیگر از فتاوا که تفاوت عملی دارند؛ قابل جمع نیستند؛ بدین معنا که نه تنها نمی توان یک فتوا را بیان و از دیگر فتاوا چشم پوشی کرد ، بلکه باید تفاوت فتاوا را نیز بیان کرد . مانند:

۱. درباره نذر زن ، برخی مراجع گفته اند: بدون اجازه شوهر باطل است مطلقاً؛ چه مالی و چه غیر مالی، چه با حق شوهر منافات داشته باشد و چه نداشته باشد. در مقابل ، برخی گفته اند: چنانچه منافات با حق شوهر داشته باشد باطل است.

این تفاوت در فتوا اثر عملی دارد و قابل جمع هم نیست. از این رو نمی توان بدون توجه به مرجع تقلید مخاطب ، فتوا را در این باره بیان کرد.

۲. شماری از مراجع معظم تقلید مانند حضرت امام خمینی رحمة الله در حکم غیبت گفته اند: اگر کسی از شخصی غیبت کند ، باید از آن گناه توبه کند و لازم نیست به او بگوید و حلالیت بطلبد. برخی دیگر مانند رهبر معظم انقلاب اسلامی مظله العالی فتوا داده اند: «غیبت» از دیگران «حق الناس» است و اگر کسی از دیگری غیبت کند باید از او حلالیت بطلبد.

روشن است که در این گونه موارد ، نباید در جمعی از مخاطبان که مقلد مراجع مختلف اند ، فقط یک فتوا را بدون اشاره به دیگر فتوا ها بیان کرد.

۳. مراجع معظم در حکم هبه گفته اند: «هبه» به اقارب قابل برگشت نیست. اما درباره همسر اختلاف است که آیا جزو اقارب است یا نه ؟ برخی همسر را جزو اقارب می دانند و برخی نمی دانند و برخی دیگر احتیاط را در مصالحه می دانند. حال اگر فردی بخواهد چیزی را که به کسی بخشیده است ، پس بگیرد، در صورتی که آن شخص از اقوام او نباشد و آن چیز هم موجود باشد ، می تواند آن را پس بگیرد ؛ اما در اینکه آیا شوهر می تواند هدایایی را که به همسرش داده است ، پس بگیرد ، طبق نظر مراجعی که همسر را از اقارب می شمارند ، نمی تواند و طبق نظر آنان که همسر را از اقارب نمی دانند ، می تواند. بنابراین ، این گونه تفاوت فتاوا که ثمره عملی دارد و قابل جمع نیست ، باید بیان شود تا هر کس وظیفه خود را بداند.

۴. فضله پرندگان حرام گوشت را برخی مراجع نجس می دانند و عده ای نجس نمی دانند.

۵. اگر زن برابر مرد یا جلوتر از او باشد ، به نظر برخی مراجع ، نمازش باطل نیست ، و طبق فتوای برخی باطل است.

۶. اگر مرد و زن نامحرم در جای خلوت نماز بخوانند ، به نظر برخی مراجع باطل است ، و به نظر برخی باطل نیست ، بنابراین حضورشان در آن مکان خلوت یک حکم دارد و حرام است؛ ولی نمازشان حکم متفاوت دارد. این تفاوت نیز قابل جمع نیست.

۷. در سفری که مقدمه ی شغل است ، بنا بر نظر شمار زیادی از فقها ، نماز تمام است ؛ ولی برخی دیگر نماز را تمام نمی دانند.